

آمیولانس

غرب چطوری دهان خاورمیانه را پر می‌کند؟



یوریا عالمی

● این‌ا گزارش داده مصرف آدامس در ایران ظرف چهارسال صدبرابر شده است.

که این نشان می‌دهد در چهارسال گذشته ایرانی‌ها صدبرابر بیشتر فک زده‌اند. ۶۶۶۶: ایرانی‌ها سالانه ۵۰۰میلیاردتومان آدامس مصرف می‌کنند.

که می‌افتد نفری ۶۶۶۶تومان. الان خارجی‌ها پول‌هایشان را گذاشتند روی‌هم که بروند ماه، ما سالی ۶۶۶۶تومان می‌دهیم که فقط آدامس باد کنیم و یفرسستیم هوا که این هم نشان می‌دهد یک دسیسه‌ای در کار است.

ورود غرب به شرق: خاورمیانه بالاترین مصرف‌کننده آدامس و غرب بزرگ‌ترین تولیدکننده آدامس است. غرب درباره ما چه فکری کرده است؟ حالا غرب هیچی، اما ما تا کجا باید کوتاه باییم؟ به غرب باید تا کجا اجازه بدهیم در کار ما وارد شود؟ غرب حالا واقعا کارش به جایی رسیده که یک چیزی درست کند و بفروستد خاورمیانه که ما بگذاریم توی دهانمان و بجویم؟ آن‌هم چیزی که هیچ خاصیتی ندارد؟ **دانستی‌ها**: آیا می‌دانستی هدف غرب از صادر کردن آدامس به خاورمیانه چیست؟

که ما آدامس را بگذاریم دهانمان و دهانمان پر شود و نتوانیم حرف بزیم یا جواب کوبنده‌ای به غرب بدهیم. آیا جوانان ما نمی‌بینند غرب دارد با آدامس‌های خود دهان ما را می‌بندد؟

چراغ لیزری

دلایل آماده‌باش شدن پلیس و آتش نشانی

سجاد صاحبان‌زد

● یکی از فروشگاه‌های خیلی بزرگ لوازم‌خانگی، که یکی از شعبه‌هایش هم در مونت‌رال است، وسایلش را شبیه کاردستی به مشتری‌هایش می‌فروشد. وقتی میل، تخت‌خواب، کمد و میز ناهارخوری را برایتان می‌آورند، تا شما روی جعبه را نخوانی، نمی‌دانی دقیقا چی‌به‌چی است. بعد یکی‌یکی جعبه‌ها را باز می‌کنی و مطابق نقشه پیش می‌مورد ما صدق نمی‌کند، چون نه پولش را زنگ خطر دارند، می‌دانند که درست‌کردن این کاردستی کمی حوصله می‌خواهد. البته پول هم مثل همیشه حلال مشکلات است و می‌توانی از تکنیسین‌های خود شرکت بخوای وسایلت را سرهم کنند. اما این‌مورد در مورد ما صدق نمی‌کند، چون نه پولش را داریم و نه دلمان می‌خواهد ریالی بیشتر خرج کنیم.

فکرش را بکنید که دوروز تمام، صبح تا شب، صرف یستن این وسایل کرده‌ای. دوروز قبل از آن هم صرف اسباب‌کشی و مرتب‌کردن وسایل شده است. حالا خسته‌وکوفته می‌خواهی خواب شب را داشته باشی و البته خوشحال که روی تخت‌خواب تازه‌ات می‌خوابی. اما درست ساعت دونیمه‌شب، صدای زنگ وحشتناکی بیدارت می‌کند. درست نمی‌دانی باید چه‌کنی. در همین حین صدای کوبیده‌شدن در را هم می‌شنوی. همه این اتفاق‌ها را در ذهنت حلاجی می‌کنی و از خودت می‌پرسی که آیا دزدگیر ساختمان عمل کرده یا زنگ خطر. نکند پلیس پشت در باشد. اصلا نکند این دزد است که بر در می‌کوبد. نگران و ترسان از دریچه به بیرون نگاه می‌کنی. دو مامور آتش‌نشانی پشت در ایستاده‌اند. در را باز می‌کنی. یکی‌از دو مامور می‌آیند داخل ساختمان. دکمه زنگ خطر را فشار می‌دهند، اما صدا خفه نمی‌شود. از تو می‌خواهند که آپارتمان را ترک کنی و بروی در محوطه. می‌گویند آتش‌سوزی شده. می‌گویند خطر تو را تهدید می‌کند. کنج‌کاو ی تو ا میبح به پارکینگ می‌کشاند. باز با خودت محاسبه می‌کنی که چندماشین سوخته است. اما وقتی به محل حادثه می‌رسی، می‌بینی که فقط یک سطل آشغال، نیم‌سوز شده است. یعنی آتقدر سوخته که هنوز می‌شود از آن استفاده کرد. آن‌وقت آن‌همه پلیس، ماشین‌آتش‌نشانی و سروصدا. درست شش‌ماه بعد از این حادثه خنده‌دار، حادثه خنده‌دار دیگری را دیدم. از جلو چهارراهی رد می‌شدم که دیدم تعداد زیادی ماشین پلیس و آتش‌نشانی سوت می‌زدند و پشت‌هم ایستاده‌اند. این‌بار جایی آتش نگرفته بود. وقتی علت را پرسیدم گفتند که یک موتورسوار یادرم نرفته بود. حدس زدم که احتمالا بلای سر موتورسوار آمده است. اما او صحیح و سالم بود. فقط یکی از چراغ‌های موتور شکسته بود. اصلا موتور با ماشین برخورد نکرده بود. فقط دوتایی ترمز کرده بودند و موتور خورده بود زمین. مردم اما چنان با تعجب به حادثه نگاه می‌کردند که انگار به فعال‌شدن یک آتش‌فشان خاموش و غیرفعال نگاه می‌کنند. انگار تصادف‌کردن اینجا خیلی عادی نیست. این روزها با خودم تمرین می‌کنم که از دیدن چندماشین پلیس و آتش‌نشانی نگران نشوم. چون ممکن است اینجا بابت نیم‌سوزشدن یک سطل‌زباله، کلی آدم بسپج شود. یا خط‌خطی شدن باک یک موتور، شهر را آماده‌باش کند.

شترت روزنامه

www.sharghdaily.ir

پنجشنبه ۲۵ دی ۱۳۹۳، ۲۳ ربیع‌الاول ۱۴۳۶، ۱۵ ژانویه ۲۰۱۵، سال دوازدهم، شماره ۲۲۱۲، صفحه ۱۳۹، اذان ظهر تهران ۱۲:۱۴، اذان مغرب ۱۷:۳۴، اذان صبح فردا ۵:۴۵، طلوع آفتاب ۷:۱۳

روزنارضا

کارتون خواب

مهدی عزیزی



کافه نظر

حرکت نمادین، واجد اثرگذاری عمقی یا گذرا؟

عسل عباسیان: ۲۹دی روز هوای پاک است. به بهانه این روز سازمان محیط‌زیست به رئیس‌جمهور پیشنهاد داده تا همان‌روز با وسیله‌نقلیه عمومی به محل نهاد ریاست‌جمهوری برود. همچنین از معاون اول رئیس‌جمهور دعوت شده تا خودرو خود را به مرکز معاینه فنی برود. به سراغ سه‌چهره رفته‌ایم تا آنها بگویند آیا چنین حرکات نمادینی اثر بلندمدت و عمقی خواهند داشت یا صرفا تاثیری گذرا داشته و تبلیغاتی‌اند؟

حسین انصاری‌راد ◀ نماینده مجلس ششم

مسئولان اگر واقعا در مسئولیتشان و انجام نقشی که بر عهده‌شان گذاشته شده، صادق و راست باشند و با اخلاص به مسوولیت‌هایی که دارند و بر عهده‌شان گذاشته شده عمل کنند بدون شک بر سطح پایین و عموم مردم اثرگذار هستند و یکی از مهم‌ترین مراکزى که می‌تواند بر تمامی قشرهای جامعه و طبقات اجتماعی تأثیرگذار باشد همین مسئولان هستند به‌خصوص مسئولان اجرایی کشور. صرف اینکه رییس‌جمهور در یک حرکت نمادین، برای بهبود هوای پایتخت، سوار وسیله‌نقلیه عمومی شوند و به مقر مسئولیتشان بروند کفایت نمی‌کند و باید در همه مسوولیت‌هایی که برعهده دارند و وظایفی که بابتش قسم خورده‌اند از جمله پاسداری از قانون و پاسخگویی به مردم در برابر مسوولیت‌هایی که دارند، موظف باشند. اگر همه این خصایص در شخص اول اجرایی کشور با هم جمع شود بدون شک در وضعیت و خلق خو و رفتار مردم تأثیر عمده‌ای خواهد داشت.

هوشنگ ماهرویان ▶ جامعه‌شناس

چندروز پیش دیدم مسئولان شهرداری کیسه‌هایی دم خانه آورده و خواسته‌اند زباله‌های خشک و تر را جدا کنیم. این رفتار واقعا حرکت زیبایی است و سبب می‌شود مردم یاد بگیرند زباله‌ها را تفکیک کنند و به این وسیله زباله‌هایشان بازیافت می‌شود تا برای تولید کاغذ، دیگر جنگلی نابود نشود. این رفتارها بسیار جالب و زیباست و فرهنگسازی می‌کند. چندوقت پیش عیسی کلانتری در تلویزیون می‌گفت مسیب نابودی طبیعت و ویرانی دریاچه‌ها هفتادوچندمیلیون نفر هستند. این گفته کاملا درست است. کم‌اینکه ما می‌بینیم جنگل نهارخوران گرگان را تکه‌تکه و برای ساخت‌وساز ساختمان‌های نهادهای استفاده کرده‌اند. یا پریروز می‌خواندم دوهزارو ۵۰۰هکتار از دشت قزوین را خواسته‌اند تغییر کاربری بدهند برای ساخت ویلا و مستغلات. متأسفانه ما فرهنگ زیست‌محیطی نداریم و اینکه آقای رییس‌جمهور در روز هوای پاک، با وسیله‌نقلیه عمومی به محل کارش برود برای مردم فرهنگ ایجاد می‌کند چون نسبت به این مقوله حساسشان می‌کند. من سال‌ها انگلستان بودم و می‌دیدم همیشه آخر هفته‌هاست که مردم از اتومبیل‌های شخصی استفاده می‌کنند و نه وسط هفته. آنجا ایدا اینطور که ما سوار اتومبیل شخصی می‌شویم سوار اتومبیل شخصی نمی‌شدند. خب همه می‌دانیم که درصد زیادی از آلودگی هوا هم به دلیل استفاده از وسیله‌نقلیه شخصی است. پس این حرکت می‌تواند سرآغازی برای استفاده کمتر مردم از اتومبیل شخصی باشد.

امیلیا نرسیسیان ▶ انسان‌شناس و استاد دانشگاه علوم اجتماعی تهران

مسئلا اینکه رییس‌جمهور بخواهد چنین کاری را حتی در یک‌روز و به‌عنوان یک فعالیت نمادین انجام دهد اتفاق مثبتی است. گاهی افرادی که قرار نیست از وسایل‌نقلیه عمومی استفاده کنند، وقتی چنین کنند نکات مثبتی در پی خواهد داشت. به‌رحال اثرگذار خواهد بود. مردم نگاه می‌کنند و می‌بینند یک‌فردی مثل رییس‌جمهور که می‌تواند با اتومبیل اختصاصی خود به محل کارش برود، ترجیح داده در این روز با وسیله‌نقلیه عمومی رفت‌وآمد کند، به مرور از این دست رفتارها الگوی رفتاری می‌گیرند. یعنی جدا از جنبه نمادین، به مرور زمان چنین رفتارهایی اثرگذار هم خواهد بود. اما اگر بخواهیم روی این دست از مسایل نظیر آلودگی هوا عمیق‌تر بشویم، نباید فراموش کنیم که این معضلات ریشه‌های زیرساختی عمیق دارند و به‌طورکلی عدم‌استفاده از وسیله‌نقلیه شخصی، در چرخه ایجاد هوای پاک تأثیر چندانی نخواهد داشت چون باید زیرساخت‌ها درست شود تا هوای پایتخت پاک و سالم باشد. مردم از این رفتارها الکو می‌گیرند اما جزئی از عادات رفتاری‌شان نمی‌شود. نمی‌توان منکر اثرگذاری این رفتارهای نمادین شد اما تأثیرشان ریشه‌ای نیست و در همان حد نمادین می‌ماند و جزو واقعیت زندگی مردم نمی‌شود. اینکه یک‌چهره شناخته‌شده مثل رییس‌جمهور چنین کاری می‌کند، نشان‌دهنده این است که نسبت به مشکلاتی که وجود دارد بی‌تفاوت نیست و خود توجه یک‌چهره به آن معضل به‌لحاظ روانی تأثیر مثبتی بر مردم خواهد گذاشت.

زندگی و حیات، کوتاه، ولی بس گرانبها و لذت‌بخش است که به رایگان به ما ارزانی شده است. زندگی مشحون از زیبایی و لذت است. تنها کافی است چشم بگشاییم و آنها را ببینیم. به ما فرصت بسیار کمی داده شده است که از این‌همه زیبایی لذت ببریم و از این‌همه لذت غرق در شغف شویم، زنده‌بودنتان را غنیمت بشمرید و از هیچ‌فرصت لذت‌بردنی خود را محروم نکنید.

حس چشایی

زبان فقط برای گفتار نیست. نعمت لذت‌بخشی نگفتنی در آن نهفته است: حس چشایی. از آن نهایت



عباس توفیق

در ستایش زیبایی و لذت

فرصت چشیدن

لذت را ببرید. دایم وجود آن را به یاد خود بیاورید. آب را فقط ننوشید. با زبانتان از قطره‌قطره آن لذت ببرید. آب مایعی بی‌مزه نیست. پس از فرودادن، آن را بچشید، به یاد خواهید آورد چرا گذشتگان ما به آن «آب‌شیرین» می‌گفتند. هیچ خوردنی‌ای را بلع نکنید. ذره‌ذره هرغذا را روی زبانتان بگذارید. روی طعم و مزه آن تمرکز کنید و «عشقش را برسید». بهترین و طولانی‌ترین لذتی که از «بستی» می‌توانید ببرید آن است که ذره‌ذره آن را، که از لای «نان‌بستی» درآمده، بلیسید. بله، درست خواندید. بستی را به‌جای «گازدن و فِرودادن»، «بلیسید». خوردنی‌ها را «نخورید»، «مزه‌مزه کنید»؛ مزه نان، پنیر و سبزی تازه، مزه نان‌قندی که مادرتان از زبانتان بهترین استفاده‌ها را کنید.

آینه‌های روبه‌رو

عموزاده‌خلیلی، رییس هیات‌مدیره انجمن نویسندگان کودک و نوجوان:

استحقاق نویسندگان بیشتر از اینهاست

کی اصلاح‌طلب نداریم، اینکه می‌گویم کاری نداریم از موضع انجمن می‌گویم. انجمن نویسندگان کودک و نوجوان یک انجمن غیردولتی، غیرسیاسی و غیرانتفاعی است. بنابراین نه اهمیتی دارد که مواضع سیاسی کسی چه هست و چه نیست، نه اصولا به انجمن ارتباطی دارد. ما با دیدگاه‌ها کار داریم. اینکه نگاهشان به تشکل‌های مدنی و نهادی غیردولتی چیست؟ اگر می‌گویم در دوره احمدی‌نژاد با مشکل مواجه بودیم و در دوره خاتمی نبودیم هیچ ربطی به گرایش سیاسی دولت‌ها ندارد. برای ما مهم دیدگاهشان نسبت به جامعه مدنی است. اینکه تشکل‌های مردم‌نهاد را چقدر با سوءظن و تهدید نگاه کنند و چقدر آن را فرصتی ببینند که از پتانسیل‌هایش به‌نفع جامعه و مخاطبان اصلی‌شان، یعنی کودکان و نوجوانان بهره بگیرند. خوشبختانه در حال‌حاضر تعامل مثبتي با بعضی از نهادهای دولتی آغاز شده، با معاونت فرهنگی وزارت ارشاد اخیرا تفاهمنامه‌ای امضا شده و امید همکاری‌های مؤثرتری می‌رود، با کانون پرورش فکری، کتابخانه ملی، آموزش و پرورش و شهرداری تهران هم ارتباط‌ها و گفت‌وگوهایی برای امکان همکاری بیشتر صورت گرفته که امیدواریم به نتایج خوبی برسد.

● انجمن در این مدت در انجام وظایف صنفی برای نویسندگان چه تلاشی کرده است؟ دولت می‌تواند به شما کمک کند؟

در اساسنامه انجمن و در آن نگاه آرمانی اولیه موسسان انجمن این شرح وظیفه وجود داشته و دارد. اما یکی از مشکلاتی که انجمن از همان ابتدا با آن مواجه بوده دقیقا همین نقطه است. حمایت از حقوق صنفی نویسندگان کودک و نوجوان جزو شیرین‌ترین و جدی‌ترین آرمان‌های ماست اما هزارویک مانع سر راه تحقق این آرزو وجود داشته و دارد، که بعضی‌هایش ساختاری است و بعضی‌هایش به دیدگاه مسئولان برمی‌گردد؛ مثلا در کشور ما نویسندگی شغل محسوب نمی‌شود. در نتیجه شما همین که شغلت در عمل نویسندگی باشد، یعنی از نظر قانون و وزارت کار و امثالهم شاغل محسوب نمی‌شوی و در نتیجه هیچ بیمه و امتیاز و تامينی که برای همه مشاغل دیگر وجود دارد برای تو و شغلت تعریف نشده است.

این همان مشکل ساختاری است که ما همواره تلاش کرده‌ایم در تعامل با مراجع قانونی و دولتی به راهکارهایی برسیم اما متأسفانه هنوز نرسیده‌ایم. اگرچه راهکارهای جایگزین پیدا شده و اجرا هم می‌شود؛ مثل اینکه شرایط، حداقل دارند به صندوق حمایت از نویسندگان و خانه کتاب وزارت ارشاد معرفی می‌شوند تا از تسهیلات بیمه و تامین اجتماعی برخوردار شوند.

اما اینها کافی نیست. نویسندگان کودک و نوجوان به‌واسطه حساسیت، اهمیت و تأثیر کارشان، استحقاق‌شان خیلی بیشتر از بهره‌مندی از تامین اجتماعی است و حداقل حقوق صنفی کمترین کاری است که جامعه و دولت می‌تواند برایان انجام دهد.

پیشنهاد فردا

● این روزها یک اتفاق ساده افتاده است، به‌همان سادگی یخ‌زدن. در گوشه‌وکنار شهر، در هنگام عبور ماشین‌ها از کناره اتوبان‌ها، در پایین دیوارهای خیابان‌ها ... همه آنجاهایی که ممکن است یک‌لحظه عموگین را تبدیل به شادی کند. در آسانسور که آدم‌ها مجبورند سیخ روبه‌رو را نگاه کنند یا در پایین بلبوردها در مکان‌های پرفرفت‌وآمد، در کنار چراغ‌های راهنمایی که ۱۹۹تایانه باید پشت آن ایستاد این جمله را نوشته‌اند: «لطفا بخند». چه‌کسی یا کسانی معلوم نیست اما انکار می‌دانند که چه‌هدفی دارند. یادآوری برای یک‌لحظه فراموش‌کردن مشکلات هرروزه؛ ابتکاری که با یک جمله ساده و یک‌تصویر ساده‌تر ممکن شده است.



درباره بررسی خیزش دوباره جنبش دانشجویی یا رویکرد جدید آن به چاپ رسیده است. داوودرضا عرب از گفتمان ملی برای تلاش‌های صورت‌گرفته برای احیای دریاچه ارومیه استفاده کرده است و سعید لیلان نیز در گفت‌وگویی به تشریح جزئیات بحران خودروسازی پرداخته است. رانت و جزئیات گسترش فسادهای ناشی از آن در کنار پیامدهای ناشی از تأخیر در ازدواج از دیگر مطالبی است که در این نشریه به آن پرداخته شده است. وقایع‌نگاری سال‌های ۵۴ تا ۵۷ در سازمان مجاهدین و بررسی کمونیست از منظر مختلف و بازخوانی حرکت مجاهدین بنیانگذار در مدار استراتژیک و سازماندهی از دیگر مطالب منتشرشده است. این دوامانها به این شماره به پیشواز سالگرد انقلاب اسلامی رفته است و حتی روی جلد آن نیز عکسی از مرگ بر شاه قرار دارد.

● شماره ۸۹ چشم‌انداز ایران منتشر شد. در این شماره، پرونده اصلی «اگر‌های انقلاب» است که در آن گفت‌وگوهای لطفاالله میثمی با ابراهیم یزدی، حبیب‌الله پیمان و علی‌اکبر معین‌فر را در برمی‌گیرد. این پرونده با مقاله‌ای تحقیقی درباره این پرسش آغاز می‌شود: «مسعود رجوی کجاست؟» ابراهیم یزدی نیز در گفت‌وگویش بر این نکته تأکید داشته است: «تاریخ را با اگر نمی‌نویسند»، حبیب‌الله پیمان نیز این نکته را یادآوری کرده است: «اصلاح رژیم شاه ممکن نبود». در بخش چشم‌انداز سیاست داخلی، گفت‌وگو با حسین انصاری‌راد با عنوان «قانون اساسی بزرگ‌ترین معروف است» و مجموعه مطالبی

